

# سرود ای ایران

## پاسخ رادیو به اشغال ایران

● رضا مختاری اصفهانی  
کارشناس ارشد تاریخ

شناخته شوند. برای تقدیس سرزمین ایران، ترویج زبان و فرهنگ فارسی و پیوند اقوام مختلف در گستره ایران باید کوشید. ایرانی بودن در انسجام معنا یافت نه در یک دست شدن اقوام مختلف ایرانی. انسجام در صورتی ممکن است که اقوام گوناگون بایکدیگر در تعامل و تبادل فرهنگی باشند تا به مفهوم ملت نایل شوند. اشغال ایران، غائله فرقه دموکرات در آذربایجان و وقایع دیگر که نگرانی جدایی آذربایجان (مهد آزاد مردان و آزاد زنان) را از امام وطن، دامن زد این احساس میان همگان به ویژه نخبگان تقویت گردید که باید کارهای فکری و فرهنگی انجام داد تا احساسات ملی گرایی به اقوام گوناگون ایرانی انتقال یابد. بر همین اساس تأسیس دانشگاه در شهرها و مراکز خارج از تهران سرلوحه اقدامات کارگزاران فرهنگی قرار گرفت. جالب اینکه اولین دانشگاه در تبریز ایجاد شد. این اقدام علاوه بر جذب نخبگان بومی به فرهنگ ملی، مانع مهاجرت آنان به مرکز کشور می گردید؛ زیرا مهاجرت نخبگان ملی اندیش باعث سلطه افراد قومی اندیش بر منطقه می شد و این امر خود تجزیه کشور را تسهیل می نمود.

نکته مهم اینکه علاوه بر تأسیس دانشگاه، افتتاح ایستگاه رادیو در مراکز خارج از تهران نیز مدنظر دولتمردان بود. پخش برنامه به زبان قومیت های ساکن در گستره ایران علاوه بر تبادل فرهنگی، آنان را به حاکمیت مرکزی دل بسته می ساخت و در جذبشان به برنامه های رادیو در پیوند و تعامل با دولت مرکزی مؤثر بود. از حوادث پیش آمده در آذربایجان پیداست که تأسیس اولین ایستگاه رادیویی خارج از تهران، متعلق به تبریز بود و در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی شروع به کار کرد.

راه دیگر رواج احساسات ملی گرایی، ترویج زبان فارسی بود که در این میان رادیو نقشی بسزاداشت. رادیو نسبت به رسانه های دیگر از این مزیت برخوردار بود که علاوه بر فراگیر بودن، مختص نخبگان جامعه نبود و توده های بیسواد از آن بهره مند می شدند. شعر و موسیقی که در طول تاریخ، زبان فارسی را حفظ کرده و اشاعه داده بودند، به وسیله رادیو در اقصی نقاط ایران شنونده هایی عام یافتند.

در مقاله پیشین (رادیو در دوران اشغال) وعده داده شد که از پاسخ رادیو به زیاده خواهی های متفقین در دوران اشغال ایران خواهیم گفت. پاسخی که ریشه در یک تحول فکری در میان روشنفکران و نخبگان ایرانی داشت و این پاسخ، سرود «ای ایران» بود. سرود «ای ایران» اگر جاودانه و افتخار آمیز شد، از آن روست که نه تنها جاذبه های شعری و موسیقایی داشت، بلکه دارای عمق و محتوای فکری بود.

پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، تغییر و تحول تنها شامل اوضاع سیاسی نشد، بلکه مهم ترین وجه اندیشه سیاسی ایران یعنی ناسیونالیسم دچار تحول گردید. ناسیونالیسم به عنوان یک شاخصه مهم در انقلاب مشروطه و پس از آن منشأ تحولات بسیاری شده بود. حتی به قدرت رسیدن رضاشاه بر مبنای اندیشه مزبور بود، چراکه بسیاری از روشنفکران و نخبگان جامعه ایران، پیشرفت و تعالی کشور را در سایه اقدامات وی همچون اصلاحات نظامی می دیدند. اصلاحات نظامی مهم ترین بخش اصلاحات در جامعه ایران بود، کارگزاران حکومتی و نخبگان ایرانی بر این باور بودند که با پیشرفت در این عرصه در مقابل بیگانگان می توان قدرتمند و مجهز شد. با تمامی تلاش ها، این امر به طور کامل تحقق نیافت و در میانه راه ناکام و متوقف شده بود. از همین رو موفقیت های رضاشاه در این زمینه، امیدواری هایی برای طبقات گوناگون جامعه فراهم ساخته بود. علاوه بر بعضی از روشنفکران که رضاشاه را نماد و پرچمدار ناسیونالیسم ایرانی می دانستند، خود او نیز سعی داشت خود را مساوی با ایران معرفی کند و در راستای چنین تصویری بود که سازمان پرورش افکار «شاه پرستی» را تبلیغ و ترویج می کرد.

با افتتاح رادیو، سرود «شاهنشاهی پهلوی» مانند «سرود ملی» هر روز از آن پخش می شد. اما وقایع شهریور ۱۳۲۰ این تصور را متزلزل ساخت. خروج رضاشاه از کشور بدان صورت، اندیشه ناسیونالیسم را در ذهن نخبگان متحول ساخت که ناسیونالیسم فراتر از شخص است؛ زیرا اشخاص و سلسله ها رفتنی هستند و باید امور ماندنی و جاودانی همچون سرزمین، زبان و فرهنگ به عنوان نماد و مظهر آن

براساس چنین تأثیری بود که در هنگام اشغال ایران و دخالت اشغالگران در امور مختلف کشور، از روح الله خالقی، معاون اداره کل موسیقی خواسته شد «آهنگی برای برانگیختن حس ملی و میهنی بسازد». در واقع تحولی که در برداشت روشنفکران از ناسیونالیسم ایجاد شده بود، به کارگزاران فرهنگی دولت نیز تسری یافته بود تا آنان نیز دریابند سرود ملی فراتر از اشخاص است. جالب اینکه اسماعیل نواب صفا از کارکنان رادیو در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ علی‌رغم اعتقادی که به رضاشاه دارد، در کتاب خاطراتش به نام **قصه شمع** به ساختن سرود «شاهنشاهی پهلوی» خرده می‌گیرد و می‌نویسد: «سرود ملی هر کشوری باید برای آن ملت و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند ساخته شود، نه درباره یک انسان مشخص که مسلماً روزی جهان هستی را ترک خواهد کرد».

بنابراین سرود جاودانه و پرافتخار «ای ایران» با چنین برداشت‌هایی خلق شد، انگیزه آن چیزی جز پاسخ به تحقیرها و اهانت‌های اشغالگران نبود. حسین گل‌گلاب، سراینده آن در این باره به اسماعیل نواب صفا چنین می‌گوید: «بعد از ظهر یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۲۳ در خیابان، شاهد حرکات دور از نزاکت بعضی از سربازان خارجی با زنان و دختران ایرانی بودم. از ناراحتی نمی‌دانستم چه کنم. بی‌اختیار راه انجمن موسیقی ملی را که تازه تأسیس شده بود... پیش گرفتم و نزد مرحوم خالقی رفتم. ایشان ناراحتی را در چهره‌ام دیدند و پرسید: «چرا عصبانی و ناراحت هستی؟» گفتم: «پیش از آمدن به این جا شاهد رفتار زشت و زننده بعضی از سربازان خارجی با زنان و دختران میهنمان بودم. اینها مملکت ما را اشغال کرده‌اند، از هیچ ناروایی هم پروا ندارند. تازه معلوم نیست کی و چگونه این سرزمین را ترک خواهند کرد؟» خالقی وقتی علت ناراحتی من را دانست، گفت: «حالا ناراحتی شما چه تأثیری دارد؟ بیا کاری کنیم». گفتم: «چه کاری؟» گفت: «بیا یک سرود

بسازیم، سرود برای ایران». (۱) به نظر می‌رسد خالقی با توجه به دستوری که برای ساختن آهنگی در برانگیختن حس ملی و میهنی دریافت کرده بود، تا آن زمان شعر مناسبی نیافته بود و حسین گل‌گلاب به نظر او مناسب‌ترین فرد برای سرودن چنین شعری بود. اما خود حسین گل‌گلاب که بود، که در نظر خالقی شایسته آفرینش چنین اثری تشخیص داده شد؟

حسین گل‌گلاب از اولین شاگردان مدرسه عالی موسیقی و بعدها از مدرسان این مدرسه شد. او با موسیقی سنتی ایران و موسیقی علمی آشنا بود و کتاب **صداشناسی** تألیف خودش را تدریس می‌کرد. وی از شاگردان کلنل علی‌نقی خان وزیر بود و در زدن تار تبحر داشت. گل‌گلاب برای استادش ترانه می‌سرود و اکثراً سرودهای حماسی و میهنی می‌ساخت. البته به جز سرودهای حماسی، چند تصنیف، دو اپرت و چند کارلبریک نیز برای کلنل وزیر ساخته بود. گل‌گلاب سخت میهن‌پرست بود و اولین سال‌های فعالیت او مصداق با اشغال ایران توسط متفقین بود. به گفته خود او سرودهای حماسی را تحت تأثیر این رخداد نامیمون و رفتار زشت و زننده اشغالگران با مردم ایران ساخته است که یکی از این سرودها، «ای آذربادگان» است. اما تقدیر بود که سرود «ای ایران» نام حسین گل‌گلاب را جاودانه سازد.

ضلع دیگر خالقان سرود «ای ایران»، روح الله خالقی بود. خالقی در رشته ادبیات و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفته بود. پدر و مادرش نوازنده بودند و او از همان کودکی با موسیقی رشد و نمو یافته بود. به نقل از یکی از شاگردانش: «فوق‌العاده حساس بود. میهن دوستی و علاقه به فرهنگ از مشخصه‌های او بود. در مورد آینده موسیقی ایران نگرانی زیادی داشت. سیر نزولی کار برخی آهنگسازان نوپا، به خصوص استفاده بسیار ابلهانه از سازهای بادی اروپا در آهنگ‌های ایرانی، آن هم به عنوان نوآوری و ابداع! تا سرحد



عصبانیت، اوراناراحت می کرد». خالقی همچون گل گلاب از اشغال ایران منقلب و متأثر بود، به طوری که پس از آزادی آذربایجان از سلطه روس ها و قطع ید فرقه دموکرات به رهبری سیدجعفر پیشه‌وری از این خطه، در استقبال از این واقعه به همراه رهی معیری اثری خلق کرد و به این مناسبت از احمد قوام و هیئت دولت برای حضور در انجمن موسیقی ملی دعوت نمود.

اجرای سرود «ای ایران» به غلامحسین بنان واگذار شد که با ارکستر انجمن موسیقی ملی اجرا گردید. البته غیر از اجرای مذکور، با تنظیم تازه‌ای، همراه با خواننده‌های گُر و به رهبری خالق در استودیوی بزرگ شماره هشت رادیو ایران در میدان ارگ ضبط شد.

اجرای نخستین سرود «ای ایران» در حضور عیسی صدیق، وزیر فرهنگ وقت با استقبال مواجه و در حضار تأثیر شکفت‌انگیزی داشت، به طوری که صدیق به شورای عالی فرهنگ پیشنهاد «نشان علمی» برای روح‌الله خالقی نمود. ولی سرود مذکور تا مدت‌ها از رادیو پخش نشد. گل گلاب علت آن را چنین بیان می‌کند: «به شاه گفته بودند گل گلاب و خالقی سرود خوبی ساخته‌اند، ولی نام شاه در آن نیست و همان افراد متملق مدت کوتاهی از پخش آن ممانعت کردند». سرانجام در روز مراسم سلام دانشگاهیان در دربار، فرصتی پیش آمد تا شاه از گل گلاب گلایه کند که: «شنیدم سرود خوبی ساختی، ولی اسم شاه در آن نیست؟» پاسخ سراینده «ای ایران» حاکی از تحولی بود که در اندیشه ناسیونالیسم ایرانی رخ داده بود: «وقتی در مورد ایران سخن می‌گویم، شامل حال شاه هم که در واقع یکی از افراد این سرزمین است می‌شود». تأیید شاه از سخن گل گلاب در آن مراسم، ممنوعیت پخش سرود «ای ایران» را رفع کرد. البته باید محمدرضا شاه آن روزگار را با محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ متفاوت دانست.

عیسی صدیق در مورد ممنوعیت موقتی سرود «ای ایران» از رادیو سکوت کرده است، اما توجه به تاریخ‌هایی که در مورد تصویب «نشان علمی» برای خالق و برگزاری جشن سالیانه فرهنگ ذکر می‌کند، برگفته گل گلاب صحنه می‌گذارد. عیسی صدیق اذعان می‌کند که بعد از اجرای سرود، بی‌درنگ برای خالق یک «نشان علمی» به شورای عالی فرهنگ پیشنهاد کردم. اما علی‌رغم این فوریت، پیشنهاد او در جلسه پنجم اسفند ۱۳۳۳ تصویب شد. صدیق تأخیر در برگزاری جشن سالیانه فرهنگ را به واسطه تقارن ۱۵ بهمن با اربعین حسینی ذکر می‌کند، اما درباره تأخیر در تصویب پیشنهاد «نشان علمی» برای خالق، دلیلی نمی‌آورد که به نظر می‌رسد این تأخیر چندان توجه‌پذیر نیست. جالب اینکه پنج روز پس از این تصویب، سرود «ای ایران» در حضور شاه خوانده شد و در همان مجلس محمدرضا شاه «نشان علمی» را به سینه خالقی زد و حسین گل گلاب نیز نشان همایون درجه چهارم را دریافت کرد. راز ماندگاری سرود «ای ایران» را باید در عمق محتوای و اندیشه

آن جست و جو کرد. نکته مهم آنکه عیسی صدیق بر سرودن شعر آن «به فارسی تقریباً سره» اشاره دارد و همان طوری که در پیش گفته شد، توجه به زبان فارسی و حفظ آن در واقع تلاش در حفظ هویت ملی تلقی می‌شد. زبان فارسی در طول تاریخ به عنوان سمبل و محافظ برای هویت قوم ایرانی عمل کرده است. ایرانیان در زندگی پرفراز و نشیب خود، گرچه به اجبار گاهی مقابل مهاجمان بیگانه سرتسلیم فرود آورده‌اند، اما با حفظ زبان و فرهنگ از هویت خویش پاسداری نموده‌اند. از همین رو با گذشت زمان و، با حفظ جوهره اصلی هویت و شخصیت خود، توانستند بر بیگانگان فایز آیند.

در شهریور ۱۳۲۰، اشغالگران با اختصاص دادن ساعاتی از برنامه‌های رادیو و تبلیغ زبان و فرهنگ خودشان، سعی به نفوذ در لایه‌های فرهنگی جامعه داشتند. غائله فرقه دموکرات، زبان فارسی را مورد هجوم قرار داد و شوروی‌ها هم از رادیو باکو به عنوان مؤثرترین کانال انتقال تبلیغات خود در آذربایجان ایران استفاده کردند. پخش برنامه‌های این رادیو از سال ۱۹۴۱ آغاز شد و استفاده از زبان آذری و تأکید بر آن به عنوان زبان مشترک دو خطه آذربایجان (ایران و شوروی سابق) از ویژگی‌های بارز این برنامه‌ها بود. از همین رو رادیو تهران سعی وافری در ترویج و گسترش زبان فارسی از راه‌های مختلف از جمله شعر و موسیقی - داشت.

سرود «ای ایران» از ویژگی‌هایی همچون احساس و حماسه برخوردار بود و می‌توانست در میان تمامی اقوام ایرانی تأثیرگذار باشد. به گفته اسماعیل نواب صفا: «اشعار بند اول که خوب تر و فصیح تر هم بود، در اذهان اکثر مردم جای گرفت». «ای ایران» به دستور عیسی صدیق آغاز هر بخش از برنامه‌های رادیو را به خود اختصاص داد. همچنین چند معلم موسیقی مأموریت یافتند سرود مذکور را به شاگردان مدارس آذربایجان بیاموزند.

#### پاورقی:

۱- البته روایت دیگری از انگیزه ساخت سرود «ای ایران» از قول گل گلاب بدین شرح وجود دارد: «یک روز در سال ۱۳۲۳؛ از خیابان هدایت رد می‌شدم؛ یک سرباز آمریکایی یک بقال ایرانی را کتک می‌زد؛ خیلی ناراحت شدم؛ به انجمن موسیقی خالقی رفتم. بی‌اختیار چیزی درست کردم. خالقی برای آن آهنگ ساخت. شد همان سرود معروف «ای ایران» که بنان آن را خواند».

#### منابع:

- بنیسن، دیویدی. اتحاد شوری و آذربایجان ایران. استفاده از ناسیونالیسم برای مقاصد سیاسی - مشاورت امور بین‌الملل ریاست جمهوری. ص ۸۷-۸۸.  
- زندگی هنری گل گلاب. (۱۳۸۳). روزنامه شرق. ص ۱۴، ۳۷.  
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۳). یادگار عمر. وزارت فرهنگ و هنر. تهران: ج ۳، ص ۱۰۶.

